

[A Persian translation of the Riqdán 2010 message of the Universal House of Justice
to the Bahá'ís of the world]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۱۰ میلادی (۱۶۷ بدیع)

(از: مرکز جهانی بهائی)

پیروان حضرت بهاء‌الله در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

با قلبی سرشار از تحسین برای پیروان حضرت بهاء‌الله، در کمال مسرت اعلام می‌داریم که در این ایام فرخنده رضوان تعداد جدیدی از برنامه‌های فشرده رشد در هر یک از قارات عالم آغاز شده که رقم کل این برنامه‌ها را در سراسر جهان به بیش از ۱۵۰۰ می‌رساند و هدف نقشه پنج‌ساله را یک سال پیش از اختتام آن تحقق می‌بخشد. به شکرانه این موفقیت عظیم و این پیروزی شگفت‌انگیز سر تعظیم و سپاس به درگاه حضرت بی‌نیاز فرود می‌آوریم. سالکان طریق خدمت اعطای این فرصت یک‌ساله را فضل و موهبتی از محبوب عالمیان به جامعه پیروان خویش دانسته آن را ارج می‌نهند، فرصتی که در آن قادرند الگوی ترویج و تحکیم را که اکنون در همه جا تمکن یافته استحکام بخشند و برای اقداماتی که در نقشه جهانی بعدی به اجرای آن دعوت خواهند شد آماده گردند، نقشه‌ای که پنج سال امتداد خواهد داشت و پنجمین نقشه از سلسله مجهوداتی خواهد بود که هدف صریح آن پیشبرد فرایند دخول افواج است.

چون در این ایام خجسته به تأمل می‌پردازیم، لازم می‌دانیم یک نکته را روشن سازیم: حس عمیق مباهات و سپاس این جمع چندان مرهون موفقیت‌های آماری شما نیست، اگرچه آن خود قابل توجه است. سپاس و امتنان این مشتاقان به سبب مجموعه‌ای از تغییرات و تحولاتی است که در سطح عمیق‌تر فرهنگ جامعه به وجود آمده است، تحولاتی که این موفقیت‌ها بر آن گواهی می‌دهد. مهم‌ترین این تحولات افزایش توانمندی احبباً در صحبت و مذاکره با دیگران در باره امور روحانی و به آسانی سخن گفتن راجع به نفس مقدس حضرت بهاء‌الله و این ظهور اعظم است. احبباً به خوبی دریافته‌اند که تبلیغ امرالله از جمله لوازم اولیة یک زندگی آراسته به رأفت و بخشندگی است.

در پیام‌های اخیر، مسرت خود را از مشاهده افزایش مستمر فعالیت‌های تبلیغی در سراسر جهان ابراز داشته‌ایم. ایفای این وظیفه اساسی روحانی از طرف افراد احبباً از جمله خصوصیات ضروری حیات بهائی بوده و

هست. تأسیس ۱۵۰۰ برنامه فشرده رشد به خوبی نشان می‌دهد که آحاد مؤمنین با شهامت و بصیرت فزاینده‌ای از حلقه اعضای فامیل و دوستان خود گام فراتر نهاده آماده‌اند تا ید قدرت الهی آنان را به سوی نفوس مستعد در هر محل که ساکن باشند هدایت نماید. حتی بر اساس یک تخمین بسیار محتاطانه، تعداد کسانی که هم‌اکنون در فعالیت‌های فشرده دوره‌ای شرکت می‌کنند تا بر اساس تفاهم و درک مشترک با کسانی که قبلاً آنها را بیگانه می‌شمردند پیوند دوستی ببندند به ده‌ها هزار نفر بالغ می‌شود.

احباً در مساعی خود برای معرفی ساده و واضح حقایق اساسی امرالله، از نمونه بارز و گویای کتاب ششم مؤسسه روحی بهره‌ وافر برده‌اند. هر جا که منطق اصلی این طرز معرفی درک شود و از گرایش تبدیل آن به یک فرمول اجتناب گردد، استفاده از آن گفتگویی را آغاز می‌کند که خصوصیت متمیزه آن حسن تفاهم و کیفیت روابط حاصله بین طرفین است. مادام که این گفتگو از ملاقات اولیه فراتر رود و یک دوستی واقعی شکل گیرد، این نوع تبلیغ مستقیم می‌تواند عاملی راه‌گشا برای یک فرایند پایدار تقلیب روحانی باشد. این مسئله که تماس اولیه با این دوستان تازه‌یافته منجر به دعوت آنان به تسجیل و یا شرکت در یکی از فعالیت‌های جامعه بهائی شود، چندان مهم نیست. آنچه حائز اهمیت بیشتری می‌باشد این است که هر فرد احساس کند که هم‌کاریش با جامعه بهائی در کمک به بهسازی اجتماع با گرمی مورد استقبال قرار می‌گیرد و از این طریق در مسیری از خدمت به بشریت گام می‌نهد که ممکن است در بدایت و یا در مراحل بعدی به تسجیل او بیانجامد.

اهمیت این تحوّل را نباید ناچیز انگاشت. در هر محدوده جغرافیایی، پس از آنکه الگوی عمل استحکام یافت، باید از طریق شبکه‌ای از هم‌کاران و آشنایان به گسترش آن پرداخت و در عین حال قوا را بر روی گروه‌های کوچک‌تر متمرکز نمود تا هر یک از آنها کانونی از فعالیت‌های فشرده گردد. در یک محدوده جغرافیایی شهری، حدود چنین کانون فعالیتی احیاناً بهتر از هر چیز مرزهای یک محله می‌باشد و در یک محدوده روستایی، یک دهکده فضای اجتماعی مناسبی برای این منظور خواهد بود. اشخاصی که در این شرایط به خدمت مشغولند، اعم از سکنه محل یا معلمینی از نقاط دیگر، برآستی باید فعالیت‌های خود را گامی در جهت جامعه‌سازی بدانند. اطلاق عناوینی چون دیدار "منزل به منزل" به مجهودات تبلیغی آنها، حتی اگر اولین تماس شامل دیدار ساکنان یک خانه بدون اطلاع قبلی باشد، فرایندی را که هدفش افزایش توان‌مندی مردم برای به عهده گرفتن مسئولیت پیشرفت روحانی، اجتماعی و عقلانی خود می‌باشد به نحو شایسته‌ای توصیف نمی‌نماید. فعالیت‌هایی که این فرایند را به پیش می‌برد و دوستان تازه به مشارکت در آن دعوت می‌شوند: جلساتی که خصلت نیایش را در جامعه تقویت می‌کند، کلاس‌هایی که قلوب و اذهان لطیف کودکان را پرورش می‌دهد، گروه‌هایی که انرژی سرشار نوجوانان را جهت می‌بخشد، حلقه‌های مطالعه‌ای که به روی همه باز است و افرادی با پیشینه‌های گوناگون را قادر می‌سازد تا پا به پای یک‌دیگر به پیش روند و کاربرد تعالیم الهی را در حیات فردی و جمعی خود شناسایی نمایند — همه این فعالیت‌ها احیاناً باید تا مدتی با مساعدت افرادی غیر از سکنه محل تداوم یابد. اما باید انتظار داشت که افزایش تعداد این فعالیت‌های اساسی به زودی توسط منابع انسانی بومی محله یا دهکده یعنی زنان و مردانی که مشتاق بهبود شرایط مادی و معنوی محیط اطراف خود هستند، تداوم پذیرد. بنا بر این به تدریج ترتیبی بدیع و

موزون از حیات جامعه که متناسب با توانمندی تعداد فزاینده‌ای از افرادی متعهد به بینش حضرت بهاءالله در مورد یک نظم بدیع است، ظاهر می‌گردد.

در این بستر، آمادگی برای پذیرش پیام حضرت بهاءالله به صورت تمایل به مشارکت در فرایند جامعه‌سازی که با فعالیت‌های اساسی نقشه به حرکت درمی‌آید، جلوه‌گر می‌شود. در محدوده‌های جغرافیایی متعددی که در آن برنامه فشرده رشد اکنون در حال اجرا است، وظیفه احباً در سال آینده این است که با به کار بردن روش مستقیم معرفی مبانی امر مبارک، به تبلیغ در بین یک یا چند جمعیت مستعد پردازند و نفوسی را بیابند که آرزومندند سستی و رخوتی را که اجتماع بر آنان تحمیل نموده از خود بزداوند و با کار کردن در کنار یکدیگر در محله‌ها و دهکده‌های خود، یک فرایند تقلیب جمعی را آغاز نمایند. اگر احباً به تلاش خود برای آموختن راه و روش‌های جامعه‌سازی در محیط‌های کوچک به صورت مذکور ادامه دهند، اطمینان داریم که به هدف دیرینه مشارکت عمومی در امور امری به مراتب نزدیک‌تر خواهیم شد.

برای تحقق این هدف خطیر، احباً و مؤسساتی که به آنها خدمت می‌کنند باید مساعی خود را صرف تقویت فرایند مؤسسه آموزشی در محدوده جغرافیایی نمایند و تعداد افرادی را که قادرند راهنمای حلقه‌های مطالعه شوند به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند. زیرا باید توجه داشت، فرصتی که اکنون برای پرورش یک حیات پویا و هدف‌مند در محله یا دهکده در دسترس احباً قرار گرفته تنها محصول تحولات مهمی است که طی ده سال گذشته در آن جنبه از فرهنگ جامعه بهائی که مربوط به تزئید معلومات امری می‌باشد، رخ داده است.

هنگامی که در دسامبر سال ۱۹۹۵ احباً را به تأسیس مؤسسات آموزشی در سراسر جهان دعوت نمودیم، الگوی رایج در جامعه بهائی برای کمک به احباً برای کسب معارف امری اساساً دوره‌ها و کلاس‌هایی بود که به مدت‌های متفاوت برای مطالعه موضوع مختلف تشکیل می‌شد. این الگو نیازهای مراحل ابتدایی توسعه جامعه جهانی بهائی را که تعداد اعضای آن هنوز نسبتاً معدود و توجهش عمدتاً به گسترش جغرافیایی خود در سطح کره زمین معطوف بود به خوبی برآورده می‌ساخت. اما در آن زمان به صراحت اظهار داشتیم که برای آنکه فرایند دخول افواج به نحو قابل ملاحظه‌ای سرعت یابد ضروری خواهد بود که رویکرد دیگری برای مطالعه آثار شکل گیرد، رویکردی که منجر به ورود تعداد کثیری به میدان عمل گردد. به این منظور، از مؤسسات آموزشی خواستیم که گروه‌های فزاینده‌ای از احباً را برای خدمت به امرالله از طریق دوره‌هایی که دانش، بینش و مهارت‌های لازم را برای انجام وظایف متعدد مربوط به تسریع ترویج و تحکیم ارائه می‌نماید، یاری دهند.

مطالعه آثار امری و کوشش برای درک بهتر ظهور شکوه‌مند حضرت بهاءالله تکلیفی است که بر عهده هر یک از پیروان آن حضرت گذاشته شده است. همه موظفند که بر حسب توان و تمایل خود، در بحر زخار ظهور اعظمش کاوش نمایند و از لالی حکمت که در آن به ودیعه گذاشته شده بهره برند. بدین ترتیب کلاس‌های محلی تزئید معلومات، مدارس تابستانه و زمستانه، و جلسات مخصوصی که در آن احبای متبحر در آثار بهائی می‌توانستند بینش خود را در باره موضوع مختلف با دیگران در میان بگذارند طبیعتاً از ویژگی‌های برجسته حیات بهائی گردید.

همان گونه که عادت به تلاوت روزانه آیات الهی جزئی ضروری از هویت بهائی باقی خواهد ماند، این نوع مطالعات نیز جزئی از حیات جمعی جامعه خواهد بود. اما وقتی مطالعه و خدمت با هم توأم گردد و هم‌زمان صورت گیرد، درک مقتضیات آیات الهی هم برای رشد فردی و هم برای پیشرفت اجتماعی چندین برابر افزایش می‌یابد. در میدان خدمت، دانش مورد آزمایش قرار می‌گیرد، سؤالاتی در حین عمل پیش می‌آید و مدارج جدیدی از فهم و ادراک حاصل می‌شود. به مدد سیستم آموزش از راه دور که اکنون در کشورهای مختلف یکی پس از دیگری تأسیس گردیده و عناصر اصلی آن شامل حلقه مطالعه، راهنما و مواد درسی مؤسسه آموزشی روحی است، جامعه جهانی بهائی این توانمندی را کسب نموده که هزاران بل میلیون‌ها نفر را قادر سازد که آثار الهی را در گروه‌های کوچک با هدف مشخص تحقق بخشیدن به تعالیم بهائی و پیشبرد فعالیت‌های امری به مرحله بعدی یعنی ترویج و تحکیم مستمر در مقیاسی وسیع، مطالعه نمایند.

اهمیت حصول چنین امکاناتی را نباید نادیده گرفت. بی‌ارادگی و بی‌تفاوتی مولود فشارهای اجتماع امروزی است. اشتیاق به تفریح و سرگرمی از کودکی با کارآیی روزافزون تقویت می‌شود و نسل‌هایی تربیت می‌گردند که با میل و رضا از هر کس که در برانگیختن احساسات سطحی مهارت دارد پیروی می‌کنند. حتی در بسیاری از نظام‌های آموزشی، با محصلین طوری رفتار می‌شود که گویا ظروفی تهی برای دریافت اطلاعات هستند. اینکه عالم بهائی موفق به ایجاد فرهنگی شده است که شیوه‌ای از تفکر، مطالعه و عمل را ترویج می‌دهد و همگان خود را رهروان یک مسیر خدمت می‌دانند — یک‌دیگر را مساعدت نموده با هم به پیش می‌روند، دانشی را که هر یک در هر مقطع زمانی دارا است ارجح می‌نهند و از گروه‌بندی مؤمنین به دسته‌هایی مثل "بامعلومات" و "بی‌معلومات" اجتناب می‌ورزند — موقفیتی است بس عظیم و در آن تحرک یک نهضت توقف‌ناپذیر به چشم می‌خورد.

آنچه از ضرورت خاصی برخوردار است افزایش چشم‌گیر کیفیت فرایند آموزشی در سطح حلقه مطالعه در طی سال آینده می‌باشد تا استعداد بالقوه سکته محلی برای ایجاد چنین پویایی و تحرکی تحقق پذیرد. برای حصول این مقصود، نقش کسانی که در مقام راهنما خدمت می‌کنند مهم خواهد بود. وظیفه این راهنمایان همانا ایجاد محیطی است که در دوره‌های مؤسسه آموزشی پیش‌بینی شده، محیطی که موجب توان‌دهی روحانی به افراد می‌گردد تا خود را عوامل فعال یادگیری خویش و دست‌اندرکاران تلاش‌های مستمر برای استفاده از دانش برای ایجاد تحول فردی و جمعی شمرند. اگر در این مورد قصور شود، هر قدر تعداد حلقه‌های مطالعه در محدوده جغرافیایی افزایش یابد، باز نیروی لازم جهت ایجاد تغییر تولید نخواهد شد.

برای آنکه کار راهنمایان به مدارج عالی‌تری از کمال برسد، باید به خاطر داشت که مسئولیت اولیه پرورش منابع انسانی در یک منطقه یا کشور به عهده مؤسسه آموزشی است. مؤسسه آموزشی در عین حال که می‌کوشد تعداد شرکت‌کنندگان را افزایش دهد، باید به صورت یک ساختار — از هیئت‌مدیره گرفته تا هماهنگ‌کنندگان در سطوح مختلف و راهنمایانی که به توده مردم خدمت می‌کنند — به همان میزان بر کارآیی تمامی سیستم تأکید

داشته باشد، زیرا نهایتاً حصول دست‌آوردهای مستمرکمی منوط به پیشرفت کیفی خواهد بود. در سطح محدوده جغرافیایی هماهنگ‌کنندگان باید در مجهودات خویش برای همراهی راهنمایان حلقه‌های مطالعه هم‌پویایی و اشتیاق از خود نشان دهند و هم از تجربیات عملی استفاده کنند. هم‌چنین آنها موظفند جلساتی ادواری برای راهنمایان ترتیب دهند تا در باره مجهودات خود تفکر و تأمل نمایند. جلساتی که به منظور مطالعه مجدد منتخباتی از مواد مؤسسه آموزشی تشکیل می‌گردد ممکن است گاه‌گاهی مفید باشد به شرط آنکه نیاز به آموزش مداوم را تلقین نماید. قابلیت‌های راهنما با ورود وی به میدان عمل و کمک به دیگران در جهت نیل به اهداف سلسله نقشه‌های جهانی کنونی از طریق مطالعه دوره‌های متسلسل و اجرای قسمت‌های عملی آن، به تدریج افزایش می‌یابد. هم‌چنان که زنان و مردان در سنین مختلف این دوره‌های متسلسل را می‌گذرانند و با کمک راهنمایان مطالعه هر دوره را تکمیل می‌نمایند، دیگران — به خصوص هماهنگ‌کنندگانی که مسئول کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه هستند یعنی خدماتی که برای تداوم خود سیستم جنبه حیاتی دارد — باید آماده باشند تا آنان را در خدماتی که بر حسب توانایی و علاقه خود به عهده می‌گیرند همراهی کنند. برخورداری این سیستم از تحرک لازم باید کماکان موضوع یادگیری جدی در همه کشورها، طی دوازده ماه آینده باشد.

توجه به تربیت روحانی کودکان همواره جزئی از فرهنگ جامعه بهائی بوده است و نتیجه اقدامات مربوطه پیدایش دو واقعیت هم‌زمان می‌باشد. یک واقعیت تأسی به دست‌آوردهای بهائیان ایران با ویژگی توان‌مندی تشکیل کلاس‌های سیستماتیک در مدارج مختلف برای کودکان خانواده‌های بهائی بود و معمولاً به منظور انتقال دانش راجع به تاریخ و تعالیم امر به نسل جدید ارائه می‌شد. در اکثر نقاط جهان تعداد کسانی که از چنین کلاس‌هایی بهره‌مند شده‌اند نسبتاً اندک بوده است. واقعیت دیگر در مناطقی اعم از شهری و روستایی که در آن تصدیق امر در مقیاس وسیع به وقوع پیوسته بود آشکار شد. در این مورد کلاس‌ها از عمومیت بیشتری برخوردار بود. با وجودی که کودکان خانواده‌های مختلف هم مشتاق شرکت در این کلاس‌ها بودند و هم با آغوش باز پذیرفته می‌شدند، عوامل مختلفی مانع از آن گردید که مواد درسی با نظم و ترتیب لازم سال به سال ارائه شود. چقدر موجب خشنودی است که با تشکیل کلاس‌های سیستماتیک برای همگان به اهتمام دوستانی که توسط مؤسسات آموزشی در سراسر عالم تعلیم دیده‌اند، این دوگانگی که محصول شرایط تاریخی بوده حال رو به زوال است.

یک چنین آغاز امیدبخشی را باید اکنون با همت و جدیت دنبال کرد. در هر محدوده جغرافیایی که برنامه فشرده رشد در جریان است باید کوشید تا با نظمی بیشتر تمهیدات لازم برای تربیت روحانی تعداد فزاینده‌ای از کودکان از خانواده‌هایی با پیشینه‌های مختلف فراهم شود، زیرا این امر برای فرایند جامعه‌سازی که در محله‌ها و دهکده‌ها در حال شتاب گرفتن است ضروری می‌باشد. این اقدام کار دشواری خواهد بود و مستلزم شکیبایی و تعاون هم از جانب والدین و هم از جانب مؤسسات می‌باشد. از مؤسسه روحی تقاضا شده است که برنامه‌های خود را جهت تکمیل دوره‌های تربیت معلم برای کلاس‌های کودکان در سطوح مختلف همراه با دروس مربوطه برای خردسالان ۵ تا ۶ ساله تا کودکان ۱۰ تا ۱۱ ساله تسریع نماید. بدین ترتیب، فاصله کنونی بین مواد درسی موجود برای این گروه سنی یعنی دروس کودکان و برخی از کتاب‌های نوجوانان که مسائلی مستقیم راجع به دیانت بهائی

را بحث می‌کند، مانند کتاب "روح ایمان" و کتاب در دست انتشار "قوة روح القدس"، پر خواهد شد. با اضافه شدن این دوره‌ها و دروس تکمیلی، مؤسّسات آموزشی در کلیه کشورهای قادر خواهند بود که معلّمین و هماهنگ‌کنندگان مورد نیاز را جهت ارائه مفاد اصلی یک برنامه برای تربیت روحانی کودکان در سطوح مختلف آماده سازند، برنامه‌ای که در اطراف آن عناصر فرعی می‌تواند سازمان یابد و مورد استفاده قرار گیرد. در این فاصله، مؤسّسات آموزشی باید نهایت کوشش خود را بنمایند که از میان سایر مواد آموزشی موجود موادی مناسب در اختیار معلّمین قرار دهند تا از آن بر حسب احتیاج در کلاس‌های کودکان سنین مختلف استفاده نمایند.

دارالتبلیغ بین‌المللی تحرک پرشوری به مجهودات لازم برای تحقّق قبل از موعد اهداف نقشه پنج‌ساله بخشید و بدین سبب از آن مؤسسه جلیله صمیمانه سپاس‌گزاریم. میزان انرژی شگرفی که این مؤسسه صرف این مشروع عظیم جهانی نمود، پی‌گیری مجدّانه پیشرفت نقشه در هر یک از قارات و هم‌کاری نزدیک آن با مشاورین قاره‌ای، نمایان‌گر پرتوی از قوای عظیمه‌ای بود که در نظم اداری بهائی به ودیعه نهاده شده است. حال که دارالتبلیغ بین‌المللی توجه خود را با همان قوت به مسائل مربوط به کارایی فعالیت‌ها در سطح محدوده جغرافیایی معطوف می‌دارد، بدون شک توجه خاصی نیز به تشکیل کلاس‌های کودکان مبدول خواهد داشت. مطمئن هستیم که تجزیه و تحلیل دارالتبلیغ در سال آینده از تجربیات حاصله در چند محدوده جغرافیایی منتخب با شرایط اجتماعی مختلف، موجب شناخت بهتری از بعضی مسائل عملی خواهد شد و تأسیس کلاس‌های مرتب برای کودکان سنین مختلف را در محله‌ها و دهکده‌ها امکان‌پذیر خواهد ساخت.

انتشار سریع برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان جلوه دیگری از پیشرفت فرهنگی جامعه بهائی است. در حالی که روندهای جهانی، این گروه سنی را به صورت افرادی مشکل‌آفرین، سردرگم در آلام تغییرات پرآشوب بدنی و عاطفی، بی‌اعتنا و خودبین تصویر می‌کند، جامعه بهائی با کلامی که به کار می‌برد و با رویکردی که اتخاذ می‌کند، مصممانه در جهت مخالف حرکت می‌نماید و به جای صفات مزبور، در نوجوانان خصایصی چون نوع دوستی، عدالت‌خواهی، اشتیاق به آموختن در باره عالم و آرزوی کمک به ساختن دنیایی بهتر می‌بیند. گزارش‌های متوالی که در آن نوجوانان در کشورهای مختلف در سراسر جهان به عنوان شرکت‌کننده در این برنامه‌ها، افکار و نظریات خود را ابراز می‌دارند مؤید اعتبار این بینش است. شواهد بسیاری نشان می‌دهد که این برنامه به طور فزاینده‌ای نوجوانان را به نحوی به بررسی واقعیت‌ها مشغول می‌دارد که آنها می‌توانند نیروهای سازنده و مخرب فعال در اجتماع را تجزیه و تحلیل کرده و اثرات هر یک را بر افکار و اعمال خود شناسایی نمایند. این برنامه بینش روحانی آنها را شدت می‌بخشد، قدرت بیان آنها را افزایش می‌دهد و ساختارهای اخلاقی را که در تمام طول زندگی یاور آنها خواهد بود تقویت می‌نماید و در سنی که قوای عقلانی، روحانی و جسمانی آنها در حال شکوفایی است، ابزار لازمه را در اختیار آنها قرار می‌دهد تا با نیروهایی که هویت واقعی آنها را در مقام موجوداتی شریف سلب می‌کند به مبارزه پردازند و در جهت پیشبرد سعادت همگان فعالیت نمایند.

اینکه قسمت عمده این برنامه مطالب را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی بررسی می‌کند، راه را برای عرضه آن به نوجوانان در محیط‌ها و شرایط مختلف باز کرده است. در نتیجه در بسیاری از موارد، مجریان این برنامه با اطمینان به میدان اقدام اجتماعی وارد می‌شوند و با مسائل و امکانات گوناگونی روبه‌رو می‌گردند. این اقدامات و مسائل و امکانات توسط دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در اراض اقدس به صورت یک فرایند یادگیری در سطح جهانی دنبال و تنظیم می‌گردد. تاکنون به مدد دانش و تجربه به دست آمده، چند محدوده جغرافیایی در اطراف جهان این توانمندی را کسب نموده‌اند که هر یک متجاوز از هزار نوجوان را تحت پوشش این برنامه قرار دهند. برای اینکه محدوده‌های جغرافیایی دیگر نیز بتوانند به سرعت در این جهت پیش روند، دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی، با کمک گروهی از احبّا، مشغول تأسیس شبکه‌ای از جایگاه‌هایی در همه قارّات عالم برای تعلیم هماهنگ‌کنندگان در صدها محدوده می‌باشد. این افراد کاردان پس از بازگشت هماهنگ‌کنندگان به محدوده‌های جغرافیایی خود، به حمایت آنان ادامه می‌دهند تا آنها بتوانند محیطی سرشار از روحانیت در جهت تداوم برنامه نوجوانان به وجود آورند.

اگرچه نوعی الگوی عمل هم‌اکنون نمایان گشته ولی مطمئناً دانش بیشتری در این زمینه به دست خواهد آمد. توانمندی جامعه بهائی تنها عاملی است که میزان پاسخگویی آن را به تقاضای مدارس و گروه‌های مدنی برای این برنامه محدود می‌سازد. آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که در حال حاضر برنامه فشرده رشد دارند، از حیث شرایط و اوضاع طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند. در بعضی محدوده‌ها تعداد گروه‌های نوجوانان معدود و در برخی دیگر به حدی است که به خدمات یک هماهنگ‌کننده اختصاصی با پشتیبانی مداوم از طرف جایگاهی برای نشر یادگیری نیاز می‌باشد. برای حصول اطمینان از اینکه این توانمندی در همه محدوده‌های جغرافیایی مورد نظر افزایش یابد، لازم می‌دانیم که تا پایان نقشه کنونی ۳۲ جایگاه یادگیری، هر یک در خدمت حدود بیست محدوده جغرافیایی با هماهنگ‌کنندگانی تمام‌وقت، شروع به کار نمایند. در سایر این گونه محدوده‌های جغرافیایی، باید در سال جاری به ایجاد توانمندی برای عرضه این برنامه و ازدیاد منظم گروه‌های نوجوانان اولویت داد.

*

پیشرفت‌هایی که تا اینجا به آن اشاره کردیم — افزایش توانمندی برای تبلیغ مستقیم و شروع گفتگوهای هدف‌مند در مورد مسائل مهم روحانی با مردم از هر طبقه و گروه، شکوفایی شیوه‌ای از مطالعه آثار امری توأم با عمل، تجدید تعهد نسبت به آموزش روحانی کودکان در محله‌ها و دهکده‌ها و گسترش تأثیر برنامه‌ای که یک هدف اخلاقی دوگانه را به نوجوانان القا می‌کند، یعنی پرورش استعدادهای ذاتی خود و کمک به تقلیب جامعه — همگی با پیشرفت دیگری در عرصه فرهنگ که پیامدهایش بسیار وسیع است، تقویت می‌شوند. نشانه این تکامل در آگاهی جمعی استفاده روزافزون از واژه "همراهی" در مکالمات بین احبّا است، واژه‌ای که با وارد شدن در مجموعه لغات متداول در جامعه بهائی مفهوم جدیدی یافته است. این واژه نمایان‌گر تقویت چشم‌گیر فرهنگی است که در آن یادگیری شیوه عمل است، شیوه‌ای که باعث مشارکت آگاهانه تعداد فزاینده‌ای از مردم در کوششی

متّحد برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله در بنای تمدّن الهی می‌گردد، تمدّنی که تأسیس آن به فرموده حضرت ولیّ امرالله غایت قصوی و مقصد اعلاّی این دور مقدّس است. چنین رویکردی با ورشکستگی روحانی و روش روبه زوال یک نظام اجتماعی کهنه شدیداً در تضادّ است، نظامی که اغلب با سلطه‌جویی یا آز و طمع و یا ایجاد حسّ گناه‌کاری در افراد و یا دخل و تصرف ریاکارانه در امور خواهان تسلّط بر قوای بشری می‌باشد.

تجلیّ این تحوّل فرهنگی در روابط بین احبّاً در کیفیت تعامل آنان مشاهده می‌شود. یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند حالتی که در آن انسان نفس خویش را فراموش می‌کند، توکل تام بر حضرت پروردگار دارد، متّکی به قدرت و حمایت اوست، به تأییدات لاریبیه‌اش مطمئن است و به یقین مبین می‌داند که تنها حیّ توانا است که قادر است پشه ضعیف را عقاب قوی و قطره را بحر عظیم نماید. در چنین حالتی نفوس پیوسته با هم فعالیت می‌کنند و شادی و سرور خود را نه چندان در دست آوردهای خویش بلکه در پیشرفت و خدمات دیگران می‌یابند. از این جهت است که افکارشان همواره متوجّه یاری رساندن به یک‌دیگر است تا بر قلل خدمت در سیل امر مبارکش عروج نمایند و در افلاک علم و معرفت او به پرواز درآیند. این است آنچه شاهد شکوفایی آن در الگوی کنونی فعالیت در سراسر جهان هستیم، الگویی که پیر و جوان و قدیم و جدید همه در کنار هم به ترویج آن مشغولند.

این پیشرفت فرهنگی نه فقط بر روابط بین افراد تأثیر می‌گذارد بلکه پیامدهایش را می‌توان در اجرای امور اداری امری نیز ملاحظه نمود. از آنجا که یادگیری شاخص نحوه عمل جامعه شده است برخی از جنبه‌های تصمیم‌گیری در زمینه ترویج و تحکیم به جمع مؤمنین محوّل گردیده تا برنامه‌ریزی و اجرای آن بتواند بیشتر پاسخگوی وضعیّت موجود محل باشد. به خصوص برای کسانی که در سطح محدوده جغرافیایی به فعالیت مشغولند، فضایی از طریق جلسات تأمل و تفکر به وجود آمده است که هر از گاهی دور هم جمع شوند و در پرتو تجربه و راهنمایی مؤسسات امری در مورد موقعیّت فعلی خود به اتفاق نظر رسند و گام‌های بعدی را مشخص نمایند. فضای مشابهی توسط مؤسسه آموزشی به وجود آمده که تمهیداتی برای افرادی که در مقام راهنمایان، معلّمین کلاس‌های کودکان و مشوقین گروه‌های نوجوانان در محدوده جغرافیایی خدمت می‌کنند فراهم می‌سازد تا جداگانه ملاقات نموده و در باره تجارب خود به مشورت پردازند. در کنار این فرایند مشورتی مردمی و در ارتباط بسیار نزدیک با آن، نهادهای مؤسسه آموزشی و لجنه ناحیه‌ای تبلیغ همراه با اعضای هیئت معاونت قرار دارند که تعامل مشترک‌شان فضای دیگری ایجاد می‌کند که در آن تصمیمات مربوط به رشد، این بار به صورت رسمی تری، اتخاذ گردد. شیوه کار این سیستم محدوده جغرافیایی که بر حسب اقتضا ایجاد شده، نمایان‌گر یک ویژگی مهمّ نظم اداری بهائی است: این نظم هم‌چنان که تحت هدایت بیت العدل اعظم تکامل می‌یابد از حیث ساختارها و فرایندها و روابط و فعالیت‌ها همانند یک موجود زنده ذاتاً قابلیت قبول سطوح بیشتر و بالاتری از پیچیدگی را دارا است.

اینکه مؤسّسات امری در تمام سطوح، از محلی و منطقه‌ای تا ملی و قاره‌ای، با مهارتی بیشتر قادر به اداره چنین پیچیدگی فزاینده‌ای هستند هم از ضروریات و هم نشانه بلوغ مستمر آنها است. روابط در حال تکامل بین ساختارهای اداری، محافل روحانی محلی را به آستانه مرحله جدیدی در اجرای مسئولیت‌های خود برای انتشار کلام الهی، بسیج قوای احبّا و ایجاد جوّی مطلوب در جهت تهذیب روحانی افراد رسانده است. قبلاً خاطرنشان ساخته‌ایم که بلوغ یک محفل روحانی را نمی‌توان تنها با تشکیل جلسات مرتّب و کارآیی عملیات آن ارزیابی نمود بلکه توانایی آن را تا حدّ زیادی با پویایی حیات روحانی و اجتماعی جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کند باید سنجید، جامعه‌ای در حال رشد که از کمک‌های سازنده افراد، هم کسانی که رسماً تسجیل شده‌اند و هم کسانی که تسجیل نشده‌اند، استقبال می‌نماید. موجب خشنودی است که رویکردها، روش‌ها و ابزار کنونی وسایلی را برای محافل روحانی محلی، حتی محافل جدید التّاسیس، فراهم می‌سازد تا این مسئولیت‌ها را در حین تأمین نیازهای نقشه پنج‌ساله در محلّ خود، ایفا نمایند. در حقیقت مشارکت صحیح محفل در نقشه‌های جهانی برای موفقیت هر تلاشی در جهت استقبال از افواج مردم حائز اهمیت بسیار می‌باشد و این اقبال افواج مردم نیز خود شرطی برای به ظهور رسیدن طیف کامل قوا و توانمندی‌های محفل است.

پیشرفت‌هایی که در محافل روحانی محلی در طی چند سال آینده مطمئناً شاهد آن خواهیم بود به واسطه قوّت فزاینده محافل روحانی ملی میسر گردیده است، محافلی که توانایی آنها در تفکر و عمل مدبرانه به نحو محسوسی افزایش یافته، به خصوص که آموخته‌اند تا با کاردانی روزافزون به تجزیه و تحلیل فرایند جامعه‌سازی در سطح توده مردم بپردازند و بر حسب نیاز، مساعدت و منابع مختلف و هم‌چنین تشویق و هدایت‌های مشفقانه خود را به این جوامع عرضه دارند. در کشورهایی که شرایط ایجاد می‌کند محافل ملی بعضی از مسئولیت‌های خود را به شوراهای منطقه‌ای محوّل نموده‌اند و با تمرکززدایی از بعضی از وظایف اداری، توانمندی تشکیلاتی را در نواحی تحت اشراف خود تقویت نموده و زمینه را برای تعاملات پیشرفته‌تری فراهم ساخته‌اند. اغراق نیست اگر بگوییم که مشارکت کامل محافل ملی نقش بسیار مهمی در ایجاد جنبش نهایی لازم برای تحقق اهداف نقشه کنونی داشت و هم‌چنان که این مؤسّسات، با هماهنگی با هیئت مشاورین، در طی ماه‌های زودگذر و حسّاسی که در پیش است نهایت کوشش را برای آماده‌سازی جوامع خود برای شروع نقشه عظیم پنج‌ساله بعدی به کار می‌برند، منتظر پیشرفت‌های بیشتری در این جهت می‌باشیم.

بدون شک تحولات و تغییرات تکاملی حاصله در مؤسسه مشاورین یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در نظم اداری بهائی در طی دهه گذشته محسوب می‌شود. این مؤسسه قبل از آنکه مشاورین و اعضای هیئت معاونت در ژانویه ۲۰۰۱ برای شرکت در کنفرانس بزرگ داشت استقرار دارالتبلیغ بین‌المللی در مقرّ دائمی خود در کوه کرمل در ارض اقدس گرد هم آیند، پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای نموده بود. تردیدی نیست که قوای منبعثه از آن کنفرانس بر سرعت پیشرفت مؤسسه افزوده است. میزان نفوذی که مشاورین و معاونین در پیشبرد نقشه داشته‌اند نمایان‌گر آن است که این خادمان برانزده امر الله جای طبیعی خود را در صف اول میدان تبلیغ احراز نموده‌اند. اطمینان داریم که سال آینده — هم‌چنان که مؤسّسات نظم اداری همگی می‌کوشند تا هر یک بر حسب وظایف و مسئولیت‌های

در حال تکامل خود، روح یادگیری را که از خصوصیات برجسته و ممتاز طرز کار جامعه شده است تقویت نمایند و این امر را با فوریت بیشتری در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که مشغول اجرای برنامه‌های فشرده رشد هستند پی‌گیری کنند — شاهد هم‌بستگی بیشتر این مؤسسات در هم‌کاری با یک‌دیگر خواهیم بود.

*

امر حضرت بهاءالله بی‌نهایت عظیم است و حصول تغییراتی عمیق را نه فقط در سطح فردی بلکه در ساختار اجتماع ضروری می‌شمارد. آن حضرت اعلام می‌فرماید که "مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً ظاهراً و باطناً." کاری که امروز در اطراف و اکناف کره ارض در حال پیشرفت است نمایان‌گر مرحله‌ی اخیر مساعی مستمرّ جامعه بهائی برای ایجاد هسته تمدنی شکوهمند است که در تعالیم این ظهور اعظم مندمج می‌باشد، تمدنی که بنای آن مشروعی بی‌نهایت عظیم و پیچیده و به ثمر رساندن آن مستلزم قرن‌ها کوشش و تلاش نوع انسان است. در این مسیر نه راه میان‌بری وجود دارد و نه فرمولی. تنها با تلاش در جهت کسب بینش از امر اعظمش، با استفاده از دانش فزاینده نوع بشر، با به کارگیری هشیارانه تعالیمش در حیات بشری و با مشورت در مسائلی که پیش می‌آید یادگیری مورد نیاز حاصل خواهد شد و توانمندی لازم به وجود خواهد آمد.

در این فرایند طولانی ایجاد توانمندی، جامعه بهائی قریب پانزده سال وقت صرف تنظیم تجارب خود در زمینه تبلیغ نموده و آموخته است که برخی فعالیت‌ها را به روی مردم بیشتری بگشاید و ترویج و تحکیم را مستمرّ سازد. آغوش گرم جامعه به روی همگان باز است تا به آن بپیوندند و از پیام حیات بخش حضرت بهاءالله رزق روحانی برگیرند. به یقین سروری از این بالاتر نیست که نفسی که مشتاق حقیقت است در حصن حصین امرالله پناه یابد و از قوای وحدت بخش عهد و میثاق نیروگیرد. در عین حال هر فرد از آحاد نوع بشر و هر گروه از انسان‌ها، قطع نظر از اینکه در خیل پیروان این امر اعظم درآمده باشند یا نه، می‌توانند از تعالیم مبارکش الهام گیرند و از هر یک از لآلی حکمت و دانش بی‌منتهاش که در رویارویی با مشکلات آنان را مدد می‌دهد، بهره برند. برآستی تمدنی که بشریت را به سوی خود فرامی‌خواند تنها از طریق مساعی جامعه بهائی به وجود نخواهد آمد. گروه‌ها و سازمان‌های متعددی تحت تأثیر روح هم‌بستگی جهانی که جلوه‌ای غیر مستقیم از تعلیم وحدت عالم انسانی حضرت بهاءالله است، در استقرار تمدنی که مقدر است از میان اغتشاش و آشوب جامعه امروز ظاهر گردد سهم خواهند بود. باید بر همگان روشن باشد که توانمندی ایجاد شده در جامعه بهائی طی نقشه‌های جهانی متوالی به نحو فزاینده‌ای آن را قادر ساخته است تا در ابعاد گوناگون و متنوع بنای مدنیت شرکت نماید و افق‌های جدیدی از یادگیری را به روی خود بگشاید.

در پیام رضوان ۲۰۰۸ خاطر نشان ساختیم که با ادامه مساعی در سطح محدوده جغرافیایی، احباً بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم رو به رو خواهند گشت که فرایند یادگیری سیستماتیک را که به آن مشغول هستند توسعه دهند تا دامنه وسیعی از مجهودات انسانی را در برگیرد. در هر محدوده جغرافیایی، در حالی که عبادت دسته‌جمعی و گفتگوها در محیط صمیمانه منازل با فعالیت‌هایی به

منظور آموزش روحانی به همه مردم از بزرگسال و جوان و کودک آمیخته می‌گردد، تصویر زیبا و پرباری از حیات جامعه به ظهور و بروز می‌رسد. آگاهی اجتماعی طبعاً آنگاه اعتلا می‌یابد که فی‌المثل گفتگوهای پرشور در بین والدین در باره آمال و علایق فرزندان‌شان تکثیر یابد و پروژه‌های خدمت با ابتکار نوجوانان به راه افتد. با ازدیاد وافر منابع انسانی در محدوده جغرافیایی و استحکام الگوی رشد، مشارکت و هم‌کاری جامعه بهائی با اجتماع می‌تواند و در واقع می‌باید افزایش یابد. در این برهه خطیر از اجرای نقشه، هنگامی که تعداد بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی به چنین مرحله‌ای نزدیک شده‌اند، مقتضی است که احباً در کلیه نقاط در باره ماهیت کمک‌هایی که جوامع پویا و در حال رشد آنها به پیشرفت مادی و معنوی اجتماع ارائه خواهند داد تأمل نمایند. در این خصوص، تفکر در دو حوزه فعالیت که به هم مرتبط و تقویت‌کننده یک‌دیگرند یعنی اشتغال به اقدام اجتماعی و شرکت در گفتمان‌های رایج در اجتماع، سودمند خواهد بود.

جامعه بهائی در طی ده‌ها سال تجربیات زیادی در این دو زمینه کسب کرده است. البته بسیاری از بهائیان از طریق شغل و حرفه خود در اقدام اجتماعی و گفتمان‌های عمومی مشارکت دارند. تعدادی از سازمان‌های غیر دولتی که از تعالیم بهائی الهام گرفته‌اند در حوزه توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح منطقه‌ای و ملی برای بهبود اوضاع مردم خود فعالیت می‌کنند. بعضی از نهادهای وابسته به محافل روحانی ملی از طرق مختلف به ترویج افکاری که در بهبود رفاه عمومی مؤثر است، کمک می‌نمایند. در سطح بین‌المللی، نهادهایی مانند دفتر جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد وظیفه مشابهی را ایفا می‌کنند. دوستانی که با توده مردم فعالیت می‌کنند، تا حد لزوم و مطلوب از این تجربیات و توانمندی برای رسیدگی به مسائل اجتماعی اطراف خود استفاده خواهند نمود.

اقدام اجتماعی به بهترین تعریف، طیفی از مجهوداتی است که می‌تواند از یک سو مساعی نسبتاً غیر رسمی و کوتاه‌مدتی را که افراد یا گروه‌های کوچکی از احباً انجام می‌دهند شامل شود و از سوی دیگر، برنامه‌های پیچیده و پیشرفته توسعه اجتماعی و اقتصادی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی را در برگیرد. هر نوع اقدام اجتماعی، صرف نظر از دامنه و مقیاس آن، کوششی برای به کارگیری تعالیم و اصول امر الهی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه‌های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم می‌باشد. به این ترتیب، شاخص این گونه مجهودات هدف صریح ترویج رفاه مادی مردم و در عین حال سعادت معنوی آنها است. از جمله تعالیم اساسی دیانت بهائی آن است که تمدن جهانی که اکنون در افق حیات بشری نمایان گردیده باید انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی برقرار سازد. بدیهی است که این آرمان پیامدهای مهمی برای ماهیت هر اقدام اجتماعی که بهائیان دنبال کنند، صرف نظر از دامنه و تأثیر آن، در بر دارد. هر چند شرایط و احوال از کشور تا کشور بلکه از یک محدوده تا محدوده دیگر تفاوت خواهد داشت و در نتیجه مساعی احباً نیز متفاوت خواهد بود اما برخی مفاهیم بنیادین وجود دارد که باید همه آن را در نظر گیرند. یکی از این مفاهیم جایگاه مرکزی دانش در حیات اجتماعی است. تداوم بخشیدن به جهل و نادانی از غم‌انگیزترین انواع جور و ستم است و موجب استحکام و ابقای تعصبات گوناگون می‌گردد، تعصباتی که مانعی در راه تأسیس وحدت عالم انسانی است، وحدتی که در

عین حال هم هدف و هم اصل اجرایی امر حضرت بهاءالله می باشد. دسترسی به دانش حق هر یک از افراد بشر است و مشارکت در ایجاد، به کارگیری و انتشار آن مسئولیتی است که هر فردی بر حسب استعداد و توانایی خود باید به جهت شرکت در مشروع عظیم بنای یک مدنیت جهانی بر عهده گیرد. عدالت مشارکت عمومی را ایجاب می نماید. در نتیجه، اگرچه اقدام اجتماعی ممکن است عرضه کالا و خدمات را به صورتی شامل شود اما مقصد آن در درجه اول باید ایجاد توانمندی در جمعیت مورد نظر باشد تا بتوانند در ساختن یک جهان بهتر مشارکت نمایند. تغییر و تحول اجتماعی پروژه ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد. وسعت و پیچیدگی اقدام اجتماعی باید با منابع انسانی موجود در دهکده یا محله متناسب باشد. بنا بر این بهتر است که مساعی در مقیاس کوچکی آغاز گردد و به طور طبیعی به تناسب افزایش توانمندی ساکنین گسترش یابد. البته هم چنان که دست اندرکاران تغییر و تحول اجتماعی می آموزند که عناصری از این ظهور اعظم را توأم با یافته ها و روش های علمی، با کارآیی فزاینده ای در برخورد با واقعیت اجتماعی خود، به کار برند توانمندی به سطوح جدیدی ارتقا می یابد. آنان باید بکوشند تا با بینشی هماهنگ با تعالیم الهی به این واقعیت بنگرند یعنی هم نوعان خود را به مثابه معادنی از جواهر گران بها مشاهده نمایند و اثرات فرایند دوگانه سازندگی و تخریب را هم در قلوب و عقول و هم در ساختارهای اجتماعی تشخیص دهند.

به همان گونه که بینش حاصله از شرکت در برخی گفتمان ها می تواند به روشن شدن مفاهیمی کمک کند که اقدام اجتماعی را شکل می دهد، اقدام مؤثر اجتماعی نیز موجب غنی شدن مشارکت در گفتمان های عمومی می گردد. مشارکت در گفتمان های اجتماعی در سطح محدوده جغرافیایی می تواند شامل یک عمل ساده مثل استناد به اصول دیانت بهائی ضمن یک صحبت روزمره تا فعالیت های منظم تری مانند تهیه مقالات و حضور در جلساتی راجع به مسائل اجتماعی، از جمله تغییر آب و هوا و محیط زیست یا حاکمیت و حقوق بشر، باشد. این مشارکت مستلزم تعامل هدف مند و مفید با گروه های مدنی و سازمان های محلی در دهکده و محله نیز می باشد.

در این رابطه ذکر یک هشدار را ضروری می دانیم. حائز اهمیت است که همگان به خوبی متوجه باشند که ارزش شرکت در اقدام اجتماعی و گفتمان های عمومی را نباید بر حسب امکان تسجیل افراد تعیین نمود. گرچه مساعی در این دوزمینه ممکن است در افزایش تعداد تسجیل شدگان مؤثر باشد ولی اصولاً این اقدامات به این منظور انجام نمی شود. اصل ضروری در این مورد خلوص نیت است. به علاوه باید از مبالغه در باره تجارب جامعه بهائی و یا از جلب توجه غیر ضروری به مساعی نوپایی مانند برنامه توان دهی روحانی به نوجوانان که بهتر است با سرعت طبیعی خود به پیش رود دوری جست. آنچه در همه موارد باید مورد نظر باشد تواضع و فروتنی است. احباً در اظهار شور و اشتیاق در باره عقاید خود باید از ابراز هر نوع احساس برتری بر دیگران بپرهیزند، احساسی که ابراز آن حتی در بین خود احباً شایسته نیست تا چه رسد به مجامع دیگران.

هدف از توصیف این فرصت های جدید که اکنون در سطح محدوده جغرافیایی به وجود آمده است این نیست که شما مسیر کنونی خود را به وجهی تغییر دهید. هم چنین نباید تصور نمود که این فرصت ها نمایان گر

پیدایش میدان دیگری از خدمت است که برای جلب منابع محدود مالی و انسانی جامعه با کار ترویج و تحکیم رقابت می‌کند. در طی سال آینده تقویت فرایند مؤسسه آموزشی و الگوی فعالیتی که ایجاد کرده است باید ادامه یابد و تبلیغ بایستی برای هر یک از احبّا بالاترین اولویّت را داشته باشد. به علاوه مشارکت بیشتر در حیات اجتماع نبایستی نابهنگام و عجولانه صورت گیرد. این مشارکت به تدریج با کوشش و پشت کار احبّا در هر محدوده جغرافیایی در اجرای مفاد و مندرجات نقشه از طریق فرایند عمل، تأمل، مشورت، مطالعه و نتیجتاً یادگیری به طور طبیعی پیش خواهد آمد. مشارکت در زندگی اجتماع با افزایش تدریجی توان مندی جامعه در پیشبرد رشد و حفظ تحرک و پویایی خود، شکوفا خواهد شد و تا حدّی که در آن از عناصر چارچوب مفاهیم ذهنی حاکم بر سلسله نقشه‌های جهانی کنونی استفاده شود، با فعالیت‌های ترویج و تحکیم انسجام خواهد یافت و به همان اندازه که این عناصر در زمینه‌های تازه یادگیری به نحو سازنده‌ای به کار گرفته شود، به حرکت جمعیت‌ها به سوی بینش حضرت بهاء‌الله نسبت به یک تمدن جهانی مرفّه و صلح‌آمیز کمک خواهد کرد.

*

دوستان عزیز و محبوب، مولای حنون حضرت عبداله‌بهاء به کرات اظهار امیدواری می‌فرمودند که احبّا با یک‌دیگر در نهایت الفت و محبت باشند، یار و اغیار ندانند بلکه عالم انسانی را یک خاندان و یک سلاله شمرند. نصیحت حضرتش آن است که: "بیگانه نبینید بلکه جمیع را آشنا دانید زیرا با وجود ملاحظه بیگانگی محبت و بیگانگی مشکل است." همه پیشرفت‌های مشروحه در این صفحات، در عمق حقیقتش چیزی جز جلوه‌ای از محبت شامله محیطه الهیه نیست که به مدد قدرت روح القدس حاصل شده است. مگر نه این است که محبت الله همه حجابات بیگانگی و اختلاف را می‌سوزاند و قلوب را با اتحاد کامل به هم پیوند می‌دهد؟ مگر نه این است که محبت الله شما را در میدان خدمت به پیش می‌برد و بینشی عطا می‌کند که بتوانید در هر انسانی توان مندی شناسایی خداوند و بندگی آستانش را مشاهده نمایید؟ آیا علم به اینکه مظهر ظهور الهی یک عمر رنج و مشقت را با نهایت سرور به خاطر عشق به عالم انسانی تحمل فرمود به زندگی شما تحرک نبخشیده است؟ به هم مسلکان خویش، خواهران و برادران روحانی خود در ایران بنگرید. آیا آن دل‌دادگان روی جانان مظهر استقامت کبری که منبعث از محبت الله و اشتیاق خدمت به آستان مبارک اوست نیستند؟ آیا توانایی آن عزیزان در تحمل ظالمانه‌ترین تزییقات و سیر در عوالمی و رای آن، خود نمایان‌گر آن نیست که میلیون‌ها نفوس ستم‌دیده در جهان قادرند به پا خیزند و نقشی مؤثر در استقرار ملکوت الهی بر روی زمین داشته باشند؟ پس با نهایت استقامت و بی‌اعتنا به ساخت‌های تفرقه‌انداز اجتماعی به پیش روید و پیام حضرت بهاء‌الله را به نفوس مستعد و منتظر در هر محله، هر دهکده و هر گوشه‌ای از کره ارض برسانید و آنان را به جامعه اسم اعظم رهنمون گردید. در قلوب و ادعیه خود همواره به یاد شما خادمان عزیز امر حضرت رحمان هستیم و پیوسته از درگاهش ملتسمیم که با مراحم غیبیه و عنایات لاریبیه‌اش شما عزیزان را تأیید و توفیق بخشد.

[امضا: بیت العدل اعظم]